رویش روان شناسی، سال۱۱، شماره۲، شماره پیاپی ۷۱، اردیبهشت ۱۴۰۱
Rooyesh-e-Ravanshenasi Journal(RRJ),11(2), 2022

رابطه ادراک نوجوان از تعارض والدین با بهزیستی روانشناختی و ناامیدی در دانش آموزان دختر نوجوان: بررسی نقش میانجی شیوه‌های مقابله

The Relationship between Adolescent Perception of Parental Conflict, Psychological Well-Being and Disappointment in Adolescent Female Students: A Mediating Role of Coping Styles

دکتر یاسر رضاپور میرصالح
دانشیار مشاوره، گروه مشاوره، دانشکدهٔ علوم انسانی و اجتماعی، دانشگاه اردکان، اردکان، ایران.
مهرنوش اخوت (نویسنده مسئول)
کارشناسی ارشد مشاوره مدرسه، گروه مشاوره، دانشکدهٔ علوم انسانی و اجتماعی، دانشگاه اردکان، اردکان، ایران.
راضیه امینی
کارشناسی ارشد مشاوره مدرسه، گروه مشاوره، دانشکدهٔ علوم انسانی و اجتماعی، دانشگاه اردکان، اردکان، ایران.

Dr . Yasser Rezapour Mirsaleh
Associate Professor, Department of Counseling, Faculty of Humanities and Social Sciences, Ardakan University, Ardakan, Iran.
Mehrnoosh Okhovat*
MA in School Counseling, Department of Counseling, Faculty of Humanities and Social Sciences, Ardakan University, Ardakan, Iran.
okhovatm58@yahoo.com
Raziyeh Amini
MA in Family Counseling, Department of Counseling, Faculty of Humanities and Social Sciences, Ardakan University, Ardakan, Iran.

چکیده
هدف پژوهش حاضر، بررسی رابطه تعارض زناشویی والدین از دید فرزند نوجوان و بهزیستی روانشناختی و ناامیدی با در نظر گرفتن نقش میانجی شیوه‌های مقابله در دانش‌آموزان دختر بود. طرح این پژوهش توصیفی از نوع همبستگی بود. جامعه آماری پژوهش را کلیه دانش‌آموزان دختر ۱۳-۱۶سال مدارس آموزش و پرورش ناحیه ۲شهر اصفهان در سال ۱۳۹۷ تشکیل می-دانند که از این بین آن‌ها ۲۷۱ نفر به روش نمونه‌گیری خوشه‌ای انتخاب شدند. داده‌ها به وسیله پرسشنامه‌های ادراک کودک از تعارض با والدین (CPIC؛ گریچ، سید و فینچام، ۱۹۹۲)، خودگزارشی سبک‌های مقابله‌ای (SRCM؛ کاوزی و دابو، ۱۹۹۲)، ناامیدی در کودکان و نوجوانان (HSC؛ کازدین، رودگرز و کولباس، ۱۹۸۶) و مقیاس بهزیستی کودکان استرلینگ (SCWBS؛ لیدلی و کارتر، ۲۰۱۰) جمع‌آوری و با استفاده از تحلیل مسیر به کمک نرم‌افزار SPSS و AMOS مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. نتایج پژوهش نشان داد تعارض والدین رابطه مستقیم و مثبتی با دور شدن از مشکل، بیرونی ساختن و ناامیدی و رابطه مستقیم و منفی با حل مسئله و بهزیستی روانی دانش‌آموزان داشت (p<۰/۰۱). نتایج تحلیل مسیر نشان داد که تعارض والدین می‌تواند به طور غیرمستقیم با تأثیر بر شیوه‌های مقابله بیرونی سازی و حل مسئله، بهزیستی و ناامیدی را در دانش‌آموزان تحت تأثیر قرار دهد. شاخص‌های برازش نیز نشان داد مدل پیش‌فرض از برازش مناسب برخوردار است. بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که بیرونی‌سازی و حل مسئله از شیوه‌های مقابله، نقش میانجی معنی‌داری در ارتباط بین تعارض والدین و بهزیستی روانشناختی و ناامیدی در دانش‌آموزان دارد.

واژه‌های کلیدی: *تعارض والدین، شیوه‌های مقابله‌ای، بهزیستی روان‌شناختی، ناامیدی*

Abstract
The present study aimed to investigate the relationship between marital conflict between parents, psychological well-being, and hope with the mediating role of coping strategies in students. A descriptive correlational design was used. The population includes students of the education organization of Esfahan City, region 2, in the 2018 academic year. A total of 271 female students were selected by cluster sampling method. Data gathered by children's perception of interparental conflict scale (Grych, Seid & Fincham, 1992), self-report coping measure for elementary school children (Causey & Dubow, 1992), hopelessness scale for children (Kazdin, Rodgers and Colbus, 1986), and Stirling children's wellbeing scale (Liddle and Carter, 2010) and then analyzed by path analysis using SPSS-24 and AMOS-24 software. The results showed that marital conflict between parents had a direct and positive relationship with avoiding the problem, externalization, and hopelessness and a direct and negative relationship with the problem-solving and psychological well-being of adolescents (p<0.01). The results of path analysis also showed that marital conflict between parents can indirectly affect well-being and hopelessness in students by affecting externalization and problem-solving coping strategies. Therefore, it can be concluded that externalization and problem solving of coping methods have a significant mediating role in the relationship between parental conflict and psychological well-being and hopelessness in students.

Keywords*: Parental conflict, coping strategies, psychological well-being, hopelessness*

نوع مقاله : پژوهشی | **دریافت : آبان ۱۴۰۰** | **پذیرش: بهمن ۱۴۰۰** | **ویرایش نهایی: اردیبهشت ۱۴۰۱**

[Downloaded from frooyesh.ir on 2026-11-14]
[DOR: 20.1001.1.2383353.1401.11.2.9.8]

مقدمه

دوره نوجوانی مرحله زندگی بین کودکی و بزرگسالی است و تعریف آن مدت‌هاست دارای پیچیدگی است. دوره نوجوانی عناصر رشد بیولوژیکی و انتقال نقش اصلی اجتماعی را دارد و مسلماً، دوره انتقال از کودکی به بزرگسالی بخش مهمی از سیر زندگی را فرا می‌گیرد (سویر[۱] و همکاران، ۲۰۱۸). بهترین و مناسب‌ترین دوره برای شکل‌گیری شخصیت واقعی انسان، دوران نوجوانی است. ابتدا این منش و شخصیت بی شکل، نامعلوم و متغیر است و سپس کم کم شکل می‌گیرد و رو به تثبیت می‌گذارد. نوجوانی مرحله‌ی تحول شخصیتی، اجتماعی، هیجانی و شناختی است و به‌معنای واقعی کلمه دوره تغییر و دگرگونی است (شوبرت[۲] و همکاران، ۲۰۱۹). دانش‌آموزان نوجوان در این مرحله با مسائل و تغییرات، در بسیاری از جنبه‌ها مواجه هستند که برخی از آن‌ها عبارتند از از مسائل مربوط به هویت‌یابی، استقلال‌طلبی، تغییرات فیزیکی و تغییرات گسترده شناختی، هیجانی و اجتماعی (جونز و نیومن،[۳] ۲۰۰۹؛ گیلورد-هاردن[۴] و همکاران، ۲۰۱۷). به همین علت توجه روانشناسان به دانش آموزان دبیرستانی معطوف شده و گزارش‌ها حاکی از شیوع مسائلی نظیر افسردگی، ناامیدی و عدم لذت در این دسته از دانش آموزان چه در خانه و چه مدرسه است (رودریگز-نارنجو و کائو،[۵] ۲۰۱۶؛ هیویت[۶] و همکاران، ۲۰۱۴).

تعارض والدین ازجمله چالش‌های زندگی برای دانش‌آموزان نوجوان است که می‌تواند نقش زیادی در کاهش بهزیستی روانشناختی و امید آن‌ها داشته باشد. بسیاری از تعارضات برای تنظیم روانی و اجتماعی رفاه نوجوانان خطرناک است. تعارض خانوادگی یک مشکل مهم برای بالندگی فرزندان است و این تنش اغلب در زندگی فرزندان نقش دارد، یافته‌ها حاکی از آن است که اجتناب از تعارضات برای هویت مشترک خانوادگی مضر است (بک و لدبتر،[۷] ۲۰۱۳؛ لامپروپولو،[۸] ۲۰۱۸). نوجوانانی که والدین آن‌ها اختلاف نظر بیشتری دارند، مشکلات بیرونی و درونی بیشتری دارند و سطح پایین‌تری از اعتماد به نفس، بهزیستی روانشناختی و سازگاری با مدرسه را نشان داده‌اند (برانژ،[۹] ۲۰۱۸). در همین مورد، نتایج پژوهشی بیان داشت درگیری خانوادگی با عدم اطمینان عاطفی نوجوانان مرتبط بوده و پیش‌بینی کننده‌ی بروز مشکلاتی مانند علائم افسردگی، ناامیدی و مشکلات شناختی و رفتاری است (کامینگز[۱۰] و همکاران، ۲۰۱۵). همچنین در گذشته، مشخص شده فرزندانی که روابطشان با والدین خود، براساس عدم حمایت و خشونت و تعارض بیشتر است، سطح بالاتری از ناامیدی و افسردگی را تجربه می‌کنند (مرولا و کام،[۱۱] ۲۰۱۸).

امید یک عنصر انگیزشی است که شامل موفقیت، داشتن انرژی در پیگیری اهداف می‌باشد و به عنوان عنصر راهبردی به افراد، برای خلق راه‌هایی جهت رسیدن به اهدافشان کمک می‌کند (هالورسون و گرین،[۱۲] ۲۰۲۰؛ دیتردینگ،[۱۳] ۲۰۱۲). امید به عنوان پایه شخصیتی در نظر گرفته می‌شود و منبع زندگی انسان بوده و به‌علاوه یک نیروی التیام بخش است که بهزیستی و تندرستی را نیز افزایش می‌دهد. افراد امیدوار در رویارویی با شرایط تنش‌زا به‌صورت فعال‌تری برخورد می‌کنند و از راهبردهای مقابله‌ای مؤثرتری استفاده می‌کنند (اوجالا،[۱۴] ۲۰۱۲). امید به‌عنوان یک منبع انگیزشی و شناختی درونی در خدمت نوجوانان است که انتظار از موفقیت را رشد دهند و به عنوان یک منبع توانمندسازی کمک می‌کند تا خود را برای مقابله با چالش‌های عمده‌ی زندگی، آماده سازند (میلونا،[۱۵] ۲۰۱۹؛ کتیمانی[۱۶] و همکاران،

1 Siwyer
2 Shubert
3 Jones and Newman
4 Gaylord-Harden
5 Rodríguez-Naranjo and Caño
6 Hewitt
7 Beck and Ledbetter
8 Lampropoulou
9 Branje
10 Cummings
11 Merolla and Kam
12 Halverson and Green
13 Deterding
14 Ojala
15 Milona
16 Kattimani

[Downloaded from frooyesh.ir on 2026-11-14]
[DOR: 20.1001.1.2383353.1401.11.2.9.8]

۲۰۱۵). روابط والد-فرزند می‌تواند امید را دستخوش تغییر کند. زمانی که نیازهای فرزندان برای آرامش و راحتی، مراقبت و حمایت نادیده گرفته می‌شود، آن‌ها رفتار ناسازگارتری بروز می دهند از جمله‌ی این رفتارها احساسات منفی و ناامیدی است (ون،[1] ۲۰۱۷).

از عوامل دیگری که تعارض والدین می‌تواند بر روی آن نقش زیادی داشته باشد، بهزیستی روانشناختی دانش‌آموزان نوجوان است. شواهد پژوهشی نشان می‌دهد که بروز تعارضات در زمینه‌های مختلف و حوادث نامطلوب زندگی می‌توانند بهزیستی روانشناختی را تحت تأثیر قرار دهد و آن را مختل کند (سرگرستورم و میلر،[2] ۲۰۰۴؛ کالمیجن،[3] ۲۰۱۶). بهزیستی روانشناختی را می‌توان واکنش‌های عاطفی و شناختی به توانمندی‌های شخصی، تعامل کارآمد با جهان، پیوند و رابطه خوب با اجتماع و پیشرفت مثبت در طول زمان تعریف کرد که این حالات می‌تواند مؤلفه‌هایی مانند رضایت از زندگی، انرژی و خلق مثبت را نیز در بر گیرد (جوشانلو،[4] ۲۰۱۹). افراد با احساس بهزیستی بالا به‌طور عمده‌ای هیجانات مثبت را تجربه می‌کنند و از حوادث و وقایع پیرامون خود ارزیابی مثبتی دارند، درحالی‌که افراد با احساس بهزیستی پایین حوادث و موقعیت زندگیشان را نامطلوب ارزیابی می‌کنند و هیجانات منفی بیشتر نظیر اضطراب، افسردگی و خشم را تجربه می‌کنند (لی[5] و همکاران، ۲۰۱۶). اگر چه وجود تعارض در یک زندگی مشترک اجتناب ناپذیر است، اما میزان و شدت آن در زوجین متفاوت است. مادامی که والدین تضادشان را به وسیله‌ی راه‌های مثبت مانند علاقه‌ی فیزیکی و زبانی، حل مسئله و حمایت مدیریت می‌کنند، این تعارض سازنده است (کاستلانو[6] و همکاران، ۲۰۱۴). اما برخلاف آن، استفاده زوجین از تاکتیک مخرب در تعارضات، از قبیل خصومت کلامی یا خشونت جسمی موجب به وجود آمدن واکنش‌های عاطفی و رفتاری منفی در فرزندان می‌شود و بهزیستی روانی آنان را دچار تزلزل می‌کند. قرار گرفتن در سطوح بالایی از تعارضات والدین، طیف گسترده‌ای از مشکلات مانند رفتارهای بیرونی و مشکلات درونی و ناسازگاری اجتماعی را برای کودکان و نوجوانان به وجود می‌آورد (آدام،[7] ۲۰۱۳؛ کیمی[8] و همکاران، ۲۰۱۳). در کل تعارض بین والدین یک عامل خطرناک برای مشکلات سازگاری فرزندان است (هولمبک،[9] ۲۰۱۸) و از این گفته بر می‌آید که به احتمال زیاد تعارض زناشویی والدین از دید فرزند می‌تواند باعث گرایش‌های تهاجمی و واکنش‌های عاطفی و رفتاری منفی در نوجوانان شده و بهزیستی روانشناختی آنان را کاهش دهد.

چگونگی مقابله‌ی افراد با تهدیدها، تنش‌ها و تعارضات می‌تواند با بهزیستی روانشناختی و امید مرتبط باشد. شیوه‌های مقابله یا به‌طور دقیق‌تر، روش‌های مختلفی که افراد با مشکلات مواجه می‌شوند، در مورد پاسخ به شرایط چالش برانگیز یا استرس زا بوده و سازگاری و عملکرد فرد را در طول دوره زندگی شکل می‌دهد (کوئی[10] و همکاران، ۲۰۱۹). شیوه‌های مقابله می‌توانند پیامدهای مثبت یا منفی مهمی برای سلامت روانی و جسمی داشته باشد و ممکن است پیش‌بینی کننده‌ی قوی برای سازگاری یا توانایی مواجهه با تجربیات جدید و تغییر باشد (چن[11] و همکاران، ۲۰۱۸). شیوه‌های مقابله در افراد مختلف متفاوت است. بر اساس نظریه (روث و کوهن،[12] ۱۹۸۶)، شیوه‌های مقابله را می‌توان به طور کلی در دو گروه طبقه‌بندی کرد: استراتژی‌های نزدیکی[13](مانند: جستجوی حمایت اجتماعی، حل مسئله) و استراتژی‌های اجتناب[14](مانند: فاصله گرفتن، درونی کردن، بیرونی کردن). بر این اساس، استراتژی‌های مانند حل مسئله و جستجوی حمایت، پاسخ‌های سازگارانه‌تر به شرایط چالش‌برانگیز بوده و با بهزیستی روانشناختی همراه بوده است (کوئی و همکاران، ۲۰۱۹). همچنین مشخص شده است که شیوه حل مسئله، با سطح اضطراب پایین تر همراه بوده و نوجوانانی که اعتماد به نفس بیشتر و توانایی مدیریت پریشانی و احساسات خود را داشتند، از شیوه‌های سازگارانه‌تر استفاده می‌کردند (لگرسدی[15] و همکاران، ۲۰۱۰) و همچنین محققان دریافتند که شیوه‌های مقابله ناسازگارانه مثل شیوه‌های اجتنابی با عملکرد اجتماعی مطلوب در کودکان ارتباط منفی دارند، درحالی‌که شیوه‌های

1 Wen
2 Segerstrom and Miller
3 Kalmijn
4 Joshanloo
5 Li
6 Castellano
7 Adam
8 Kimhi
9 Holmbeck
10 Qiu
11 Chen
12 Roth and Cohen
13 approach strategies
14 avoidance strategies
15 Leggerstee

[Downloaded from frooyesh.ir on 2026-11-14]
[DOR: 20.1001.1.2383353.1401.11.2.9.8]

سازگارانه با بهزیستی اجتماعی- عاطفی همراه بوده است (آیزنبرگ[1] و همکاران، ۲۰۱۵؛ آیزنبرگ و همکاران، ۲۰۱۴). دانش‌آموزانی که در مواجهه با مشکلات، دچارعدم اطمینان و سردرگمی بیشتر بودند، از تفکر پیرامون مشکل اجتناب می‌کردند و بهزیستی روانشناختی کمتری نشان داده و شیوه‌های اجتنابی به شدت با پریشانی روانی همراه بوده است (بویز[2] و همکاران، ۲۰۱۷؛ رود[3] و همکاران، ۲۰۱۲). با این حال (باکسر[4] و همکاران، ۲۰۱۲) دریافتند که دور شدن از مشکل که قبلاً یک استراتژی اجتناب‌آور و در نتیجه ناسازگارانه تلقی می‌شد، هنگام مواجهه با استرس و خشونت، ممکن است برای کودکانی که در محله‌های کم درآمد زندگی می‌کنند، شیوه‌ی محافظت‌کننده‌ای باشد.

هنگامی که فرزندان از تعارض والدین آگاه می‌شوند، یک واکنش مؤثر اولیه و ابتدایی دارند و در نظر می‌گیرند که آیا تعارض به نتایج منفی برای خودشان و یا والدینشان منجر خواهد شد یا نه. همچنین آن‌ها اینگونه ارزیابی می‌کنند که چرا تعارضات اتفاق افتاده‌اند و در پاسخگویی و برخورد با این اختلافات چه می‌توانند انجام دهند؟ بنابراین، گرچه تعارض والدین منبع فشار روانی است اما تأثیر آن بر فرزندان مثل هر استرس دیگر تا حد زیادی به ارزیابی شناختی از مسئله و نیز شیوه‌ها، مهارت‌ها و سبک‌های مقابله‌ای آنها بستگی دارد (کامینگز[5] و همکاران، ۲۰۱۲). فرزندانی که تعارض را به شدت تهدیدکننده درک می‌کنند و خودشان را برای تعارض مقصر می‌دانند ممکن است به‌طور خاص واکنش‌های احساسی منفی قوی داشته باشند، بر عکس اعتماد آن‌ها به توانایی‌هایشان برای کمک به خود یا والدینشان ممکن است احساس پریشانی و ناامیدی را کاهش دهد (بندورا[6]، ۱۹۸۶).

با توجه به نتایج پژوهش‌های بالا، می‌توان بیان داشت تعارض یا عدم تعارض نوجوانان دختر با والدین، نقش تعیین کننده‌ای در شکل‌گیری امید به آینده و بهزیستی روانشناختی آنها ایفا می‌کند. از طرف دیگر نوجوانان در محیط خانواده رشد و بالندگی می‌یابند و راه‌های غلبه بر مشکلات را می‌آموزند، بنابراین انتخاب شیوه‌های مقابله‌ی نوجوانان با تعارضات نیز، می‌تواند با گسترش و بهبود بهزیستی روانشناختی و امید ارتباط داشته باشد. از آنجایی که سلامت جسمانی، روانی و اجتماعی دانش‌آموزان نوجوان در آینده جامعه، موضوعی حائز اهمیت است، پژوهش حاضر با هدف بررسی رابطه تعارض زناشویی والدین از دید فرزند نوجوان و بهزیستی روانشناختی و ناامیدی با در نظر گرفتن نقش میانجی شیوه‌های مقابله در دانش‌آموزان دختر انجام شد.

روش

پژوهش حاضر توصیفی- همبستگی و به روش تحلیل مسیر است. جامعه آماری پژوهش کلیه‌ی دانش آموزان ۱۳-۱۶ سال مدارس آموزش و پرورش ناحیه ۲ شهر اصفهان در سال ۱۳۹۷ بود. نمونه‌ای به حجم ۲۷۱ نفر از دانش آموزان بر اساس جدول کرجسی و مورگان[7] به روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چندمرحله‌ای انتخاب شدند. برای انتخاب آزمودنی‌ها، ابتدا به صورت تصادفی از بین کلیه مدارس ناحیه، ۳ مدرسه دخترانه انتخاب شد. سپس از مدارس منتخب به روش تصادفی ۱۱ کلاس انتخاب و از دانش آموزان مجموعاً ۲۷۱ نفر به عنوان نمونه انتخاب شدند. درنهایت، با بررسی کامل اطلاعات ۲۷۱ پرسشنامه که با صحت و درستی تکمیل شده، مورد استفاده قرار گرفته و بقیه پرسشنامه‌ها به علت مخدوش یا ناقص بودن کنار گذاشته شد. ملاک‌های ورود به پژوهش (رضایت آگاهانه، رده سنی ۱۳ تا ۱۶ سال، دانش آموز بودن، نداشتن سابقه بیماری روان‌شناختی، عدم استفاده از داروی روانپزشکی و زندگی با هر دو والد) بود. ملاک‌های خروج از پژوهش نیز (نقض در پاسخگویی به سؤالات پرسشنامه‌ها و عدم تمایل برای شرکت در پژوهش) بود. قبل از تکمیل پرسشنامه، به شرکت‌کنندگان در مورد محرمانه بودن اطلاعات اطمینان داده شد. داده‌های جمع آوری شده با استفاده از تحلیل مسیر به کمک نرم افزارهای SPSS-25 و AMOS-24 مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند.

ابزار سنجش

1 Eisenberg
2 Boyes
3 Rood
4 Baxter
5 George
6 Bandura
7 Krejcie and Morgan

[Downloaded from frooyesh.ir on 2026-11-14]
[DOR: 20.1001.1.2383353.1401.11.2.9.8]

ادراک کودک ازتعارض والدین[1](CPIC): مقیاس ادراک کودک از تعارض والدین، توسط (گریچ[2] و همکاران، ۱۹۹۲) در ۵۱ سوال ساخته شده است. این مقیاس را بر مبنای الگوی چارچوب شناختی مبتنی بر بافت، برای سنجش تعارض زناشویی از گزارشات کودکان، یعنی ویژگی‌های تعارض یا ابعاد تعارض والدین از دید کودک (شامل مقیاس‌های تکرار، شدت، حل مسأله و محتوای تعارض) و واکنش کودک به تعارض یا تفسیر تعارض (شامل احساس تهدید، کارآمدی مقابله و خود مقصربینی) برای سنین ۱۰ سال و بالاتر طراحی شده است. هر سؤال سه درجه پاسخ و نمره‌گذاری درست (۲)، تقریباً درست (۱) و غلط (۰) دارد و دامنه نظری نمره‌های آن از ۰ الی ۱۰۲ است. نمره بالاتر نشان‌دهندهٔ ویژگی‌های تعارض منفی‌تر (تعارض بیشتر و شدیدتر، حل تعارض ضعیف‌تر و ارتباط بیشتر محتوای تعارض با موضوعات مربوط به کودک)، خود مقصربینی و احساس تهدید بیشتر و کارآمدی مقابله کمتر است. گریچ و همکاران، (۱۹۹۲) پایایی این مقیاس را با روش آزمون- باز آزمون درطی دو هفته بر نمونه کوچکی از کودکان (۴۴ نفر) برای سه عامل (ویژگی‌های تعارض=۰/۷۰، تفسیر تعارض= ۰/۶۸ و ارزیابی تعارض=۰/۷۶) و با روش آلفای کرونباخ از ۰/۶۱ تا ۰/۸۳ گزارش کردند. در پژوهش مورا[3] و همکاران (۲۰۱۰) به منظور بررسی روایی از تحلیل عاملی تأییدی استفاده شد و نتایج تحلیل نشان داد که مدل سه عاملی، برازش بسیار مناسبی دارد و نسبت $\chi 2/df$ این مدل ۲/۲ بدست آمده که بیانگر برازش بسیار مناسب مدل در جامعه آماری موردنظر (کودکان) بود. همچنین، پایایی این مقیاس به روش آلفای کرونباخ برای کل مقیاس ۰/۸۶ بدست آمد و برای هر یک از عامل‌های (ویژگی‌های تعارض= ۰/۶۴، تفسیر تعارض= ۰/۷۰ و ارزیابی تعارض= ۰/۶۴) به دست آمد. براساس پژوهش صلواتی و شکری (۱۳۹۴) همبستگی مثبت و معنادار بین ویژگی‌های تعارض و افسردگی بک نسخه کودکان (r=۰/۲۸، $p<۰/۰۱$) به دست آمد که نشان از روایی همگرای این مقیاس بود. همچنین قره باغی و وفایی (۱۳۸۸) پایایی این مقیاس را با استفاده از روش آلفای کرونباخ برای عامل‌های (ویژگی‌های تعارض= ۰/۷۷، تفسیر تعارض= ۰/۶۱ و ارزیابی تعارض= ۰/۸۴) به دست آوردند. در این پژوهش، از جمع کل مقیاس‌ها یعنی ارزیابی شناختی منفی کودک از تعارض والدین استفاده شد. در این پژوهش، پایایی مقیاس با روش آلفای کرونباخ ۰/۹۲ به دست آمد.

خودگزارشی سبک‌های مقابله‌ای[4](SRCM): پرسشنامه خودگزارشی سبک‌های مقابله‌ای که توسط (کاوزی و دابو[5] ۱۹۹۲) ساخته شده، دارای ۳۴ گویه است و برای سنجش پنج سبک مقابله با مسئله (حل مسئله، جستجوی حمایت اجتماعی، فاصله گرفتن و اجتناب، درونی‌سازی و برونی‌سازی) به کار می‌رود. در این پرسشنامه، برای سؤالات از مقیاس لیکرت ۵ درجه‌ای استفاده شده و برای پاسخ‌های هیچ‌وقت نمره ۱، به‌ندرت ۲، گه‌گاهی ۳، اغلب ۴ و همیشه ۵ در نظر گرفته شده است. اعتبارسنجی اولیه این سازه توسط کاوزی و دابو (۱۹۹۲) در یک نمونه ۴۸۱ نفری انجام شد. این محققان، برای بررسی روایی این مقیاس، از روش تحلیل عاملی تأییدی با با روش مؤلفه‌های اصلی و چرخش واریماکس استفاده کردند و نشان دادند، برای مقابله با درجهٔ ضعیف، ۵ عامل اصلی، مقدار ارزشی خاصی از ۰/۸۴ تا ۶/۸۲ داشتند (برای ۳۸ درصد از واریانس) و برای مقابله با استدلال و بحث همتا، ۵ عامل، مقدار ارزشی خاصی از ۰/۸۶ تا ۶/۵۷ داشتند (برای ۳۸ درصد از واریانس). همچنین پایایی این مقیاس را، با توجه به همسانی درونی زیرمقیاس‌ها، با روش آلفای کرونباخ از ۰/۶۹ تا ۰/۸۲ برای مقابله با درجهٔ ضعیف و از ۰/۶۸ تا ۰/۸۴ برای مقابله با یک استدلال همتا و جفت گزارش کردند. علاوه بر این، با روش بازآزمایی[6] دو هفته‌ای، پایایی برای مقابله با درجه ضعیف (جستجوی حمایت اجتماعی= ۰/۷۳، حل مسئله= ۰/۶۰، فاصله و اجتناب= ۰/۶۴، درونی‌سازی= ۰/۶۳، برونی‌سازی= ۰/۶۹) و برای مقابله با استدلال و بحث همتا (جستجوی حمایت اجتماعی= ۰/۷۲، حل مسئله= ۰/۶۴، فاصله و اجتناب= ۰/۵۸، درونی‌سازی= ۰/۵۹، برونی‌سازی= ۰/۷۸) گزارش کردند. در پژوهش اسوایت[7] و همکاران (۲۰۲۰) به منظور روایی این مقیاس، از تحلیل عاملی اکتشافی استفاده شد و نتایج، سه عامل (رویکرد، برون‌سازی و درونی سازی) را با بارهای عاملی از ۰/۳۵ تا ۰/۷۶ نشان داد. همچنین، نتایج بررسی روایی همگرای این مقیاس با فرم گزارش معلم (آچنباخ و رسکولا[8] ۲۰۰۰)، نشان‌دهنده همبستگی مثبت معنادار این مقیاس با فرم گزارش معلم بود (r = ۰/۵۲) و پایایی این مقیاس نیز به روش آلفای کرونباخ برای کل مقیاس ۰/۷۸ و برای عامل رویکرد، عامل برون‌سازی و عامل درونی‌سازی به ترتیب ۰/۸۷، ۰/۷۹ و ۰/۶۱ گزارش شده است. این پرسشنامه، روایی و پایایی فارسی

1 children perception of the interparental conflict scale
2 Gjych
3 Mura
4 self-report coping measure
5 Causey & Dubow
6 test-retest
7 Swift
8 Achenbach & Rescorla

[Downloaded from frooyesh.ir on 2026-11-14]
[DOR: 20.1001.1.2383353.1401.11.2.9.8]

ندارد؛ اما در پژوهش حاضر، روایی محتوایی این سازه، پیش از اجرای پژوهش، توسط سه نفر از متخصصان آگاه به موضوع، تأیید شد و شاخص روایی محتوایی ۰/۷۶ و نسبت روایی محتوایی ۰/۸۲ بدست آمد. همچنین، پایایی این مقیاس با روش آلفای کرونباخ، ۰/۸۹ به دست آمد.

ناامیدی در کودکان و نوجوانان (HSC)[1]: پرسشنامه ناامیدی در کودکان و نوجوانان توسط (کازدین[2] و همکاران، ۱۹۸۶) برای سنجش ناامیدی ساخته شد. این پرسشنامه دارای ۱۷ سوال بوده و هدف آن ارزیابی میزان ناامیدی در کودکان و نوجوانان ۸ تا ۱۶ سال است. طیف پاسخگویی آن از نوع دو گزینه ای بوده که در آن هر جوابی که مطابق کلید پرسشنامه باشد، یک امتیاز و گزینه‌های غیرمطابق با کلید صفر امتیاز دریافت می‌کند. برای بدست آوردن امتیاز کلی پرسشنامه، مجموع امتیازات همه سوالات با هم جمع می‌شود. این نمره دامنه‌ای از صفر تا ۱۷ را خواهد داشت. هرچه این امتیاز بالاترباشد، نشان‌دهنده میزان ناامیدی بالاتر کودک پاسخ‌دهنده خواهد بود و برعکس مقیاس ناامیدی در کودکان و نوجوانان هستند. مایر[3](۱۹۹۱)، برای تعیین اعتبار پیش‌بین، این مقیاس را برای پیش بینی گرایش به خودکشی در آینده بر روی گروهی از کودکان و نوجوانان ۷ تا ۱۷ ساله بهنجار و مبتلا به اختلال روانی، اجرا کرد. در این گروه ۱۰۰ نفر مبتلا به افسردگی حاد بودند و ۳۸ نفر افسرده نبودند. نتایج نشان داد نمرات این مقیاس در یک دوره‌ی پیگیری سه ساله، با رفتارهای خودکشی‌گرایانه رابطه مثبت معناداری دارد و پایایی آزمون- بازآزمون این مقیاس نیز، در نمونه کودکان مبتلا به افسردگی در فاصله شش هفته، ۰/۵۷ و در نمونه کودکان بهنجار در فاصله ده هفته، ۰/۴۹ گزارش شده است که این میزان، بیانگر ثبات متوسط آزمون است. فرانسیوس[4](۲۰۰۸) برای تعیین روایی همزمان، همبستگی متقابل این مقیاس را با مقیاس‌های افسردگی بک، عزت‌نفس کوپر اسمیت و رفتار اجتماعی ماتسون و همکاران، بررسی کرده و نشان داد که ناامیدی با افسردگی همبستگی مثبت معنی‌دار (r=۰/۵۸) و با عزت‌نفس (r=۰/۶۱) و مهارت‌های اجتماعی (r=۰/۳۹) همبستگی منفی معنی‌دار دارد. همچنین، پایایی این مقیاس را با روش کودر-ریچاردسون ۰/۹۷ و با روش دو نیمه کردن اسپیرمن ـ براون ۰/۹۶ گزارش کرده است. به منظور اعتباریابی این مقیاس برای جمعیت ایرانی، مقیاس مذکور، نخست توسط نجاتی و همکاران (۱۳۹۴) به زبان فارسی ترجمه شد و صحت ترجمه، سهولت خواندن و فهم ماده‌ها توسط پنج متخصص مورد تأیید قرار گرفت و سپس به منظور بررسی روایی این مقیاس، از تحلیل عاملی اکتشافی استفاده شد و نتایج نشان داد که در جامعه ایران، این مقیاس حاوی ۱ آیتم و سه عامل (عدم شناختن مسیر رسیدن به اهداف، عدم احساس عاملیت و ارزش آینده) است. همچنین، همبستگی منفی و معنادار بین نمره کل و سه عامل موردنظر با مقیاس امید کودکان اسنایدر[5] و همکاران (۱۹۹۷)، نشان‌دهنده اعتبار واگرای مطلوب این مقیاس بود. همچنین، پایایی این مقیاس با روش کودر-ریچاردسون ۰/۶۹ بدست آمد که نشان‌دهنده پایایی مطلوب این مقیاس بود. در پژوهش حاضر، پایایی مقیاس با روش کودر ریچاردسون، ۰/۸۹ بدست آمد.

مقیاس بهزیستی کودکان استرلینگ (SCWBS)[6]: پرسشنامه بهزیستی کودکان توسط لیدلی و کارتر[7](۲۰۱۰) ساخته شده و دارای ۱۵ گویه است. از این مقیاس برای اندازه‌گیری جنبه‌های مثبت از رفاه روانی (خوش‌بینی، آرامش و حالت‌های بین فردی مثبت) استفاده می‌شود. ۶ مورد حالت احساسی مثبت و ۶ مورد دیگر چشم‌انداز مثبت را اندازه‌گیری می‌کنند، ۳ مورد اضافی واکنش و پاسخ‌های متعادلی را از یک مقیاس مطلوب اجتماعی ارزیابی می‌کنند. نمره‌گذاری به‌صورت طیف لیکرت ۵ درجه‌ای بوده که برای گزینه هیچ‌وقت نمره ۱ و گزینه همیشه نمره ۵ تعلق می‌گیرد، نمره بالاتر در آن، نشانه رفاه و بهزیستی روانی بیشتر است. لیدلی و کارتر (۲۰۱۰)، همبستگی این مقیاس را با پرسشنامه کیفیت شاخص سلامت زندگی (r=۰/۷۰) بدست آوردند که نشان دهنده تأیید روایی همگرای این مقیاس است. همچنین قابلیت اطمینان داخلی و خارجی این مقیاس را با استفاده از روش آزمون مجدد، ۰/۷۵ گزارش کردند. نیشیدا[8] و همکاران (۲۰۲۱) روایی همگرای این مقیاس را با پرسشنامه مشکلات عاطفی و رفتاری کودکان (r=-۰/۷۳) و مقیاس آگاهی از حمایت اجتماعی (r=۰/۶۵) گزارش کردند و پایایی این مقیاس را با استفاده از روش آلفای کرونباخ ۰/۸۶ و با روش آزمون- بازآزمون ۰/۶۶ در طول یک هفته گزارش کردند. این پرسشنامه، روایی و پایایی فارسی ندارد؛ اما در پژوهش حاضر، روایی محتوایی این سازه، پیش از اجرای پژوهش توسط چهار

1 the hopelessness scale for children
2 Kazdin
3 Mayer
4 Francios
5 Snyder
6 stirling childrens wellbeing scale
7 Liddle and Carter
8 Nishida

[Downloaded from frooyesh.ir on 2026-11-14]
[DOR: 20.1001.1.2383353.1401.11.2.9.8]

نفر از متخصصان آگاه به موضوع، تأیید شد و شاخص روایی محتوایی ۰/۷۱ و نسبت روایی محتوایی ۰/۸۵ بدست آمد. همچنین روایی همگرای این مقیاس با پرسشنامه اختلالات رفتاری کودکان راتر (r=-۰/۵۲) بدست آمد و روایی واگرای آن با همبستگی مثبت بین ابعاد این مقیاس مورد تأیید قرار گرفت. همچنین، پایایی این مقیاس با روش آلفای کرونباخ، ۰/۸۶ بدست آمد.

یافته ها

از بین شرکت‌کنندگان در پژوهش، ۲۱ نفر کلاس هفتم (۱۲٪/۳)، ۴۷ نفر کلاس هشتم (۲۷٪/۵)، ۷۱ نفر کلاس نهم (۴۱٪/۵) و ۳۲ نفر کلاس دهم (۱۸٪/۷) بودند. تحصیلات مادران شرکت‌کنندگان در پژوهش به ترتیب ۲۱ نفر زیر دیپلم (۱۲٪/۳)، ۴۶ نفر دیپلم (۲۶٪/۹)، ۱۳ نفر فوق دیپلم (۷٪/۶)، ۶۱ نفر لیسانس (۳۵٪/۷)، ۱۴ نفر فوق لیسانس (۸٪/۲)، ۲ نفر دکتری (۱٪/۲) و ۱۴ نفر (۸٪/۲) نیز پاسخ نداده بودند. همچنین تحصیلات پدران شرکت‌کنندگان در پژوهش به ترتیب ۱۱ نفر زیر دیپلم (۶٪/۴)، ۴۶ نفر دیپلم (۲۶٪/۹)، ۱۳ نفر فوق دیپلم (۷٪/۶)، ۵۹ نفر لیسانس (۳۴٪/۵)، ۲۱ نفر فوق لیسانس (۱۲٪/۳)، ۸ نفر دکتری (۴٪/۷) و ۱۳ نفر (۷٪/۶) نیز پاسخ نداده بودند. شغل مادران شرکت‌کنندگان ۳۴ نفر کارمند (۱۹/۹٪)، ۱۰ نفر دارای شغل آزاد (۵/۸٪)، ۱۲ نفر شاغل در بخش خصوصی (پزشک، ماما و...) (۷/۰٪)، ۱۰۴ نفر خانه‌دار (۶۰/۸٪) و ۱۱ نفر بدون پاسخ (۶/۴٪) بود. شغل پدران شرکت‌کنندگان ۷۰ نفر کارمند (۴۰/۹٪)، ۶۳ نفر دارای شغل آزاد (۳۶٪/۸)، ۲۶ نفر شاغل در بخش خصوصی (پزشک، ماما و...) (۱۵٪/۲) و ۱۲ نفر بدون پاسخ (۷٪/۰) بود. از بین شرکت-کنندگان، ۸۱ نفر فرزند اول خانواده (۴۷/۴٪)، ۶ نفر فرزند آخر خانواده (۳/۵٪)، ۷۴ نفر فرزند وسط خانواده (۴۳/۳٪)، ۵ نفر تک فرزند (۲٪/۹) بوده و ۵ نفر (۲٪/۹) پاسخ ندادند.

جدول ۱. ماتریس همبستگی، میانگین و انحراف معیار متغیرهای پژوهش

متغیر	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	انحراف معیار	میانگین
۱. تعارض والدین	۱								۱۵/۴۶	۸۰/۱۳
۲. جستجوی حمایت اجتماعی	-۰/۱۷۳*	۱							۶/۸۶	۲۱/۰۵
۳. دور شدن از مشکلات	-۰/۰۲۷	-۰/۰۶۵	۱						۵/۴۵	۱۸/۶۰
۴. درونی ساختن	۰/۳۶۳**	۰/۰۰۹	-۰/۱۴۹	۱					۶/۱۶۶	۲۱/۰۰
۵. بیرونی ساختن	۰/۳۵۸**	۰/۰۸۰	۰/۰۰۶	۰/۳۰۳**	۱				۲/۷۸	۷/۵۴
۶. حل مسئله	-۰/۲۵۱**	۰/۵۵۰**	۰/۰۳۳	۰/۰۹۸	-۰/۱۳۹	۱			۶/۵۵	۲۷/۳۲
۷. بهزیستی روانشناختی	-۰/۴۳۳**	۰/۳۱۶**	۰/۱۰۱	-۰/۲۱۶**	-۰/۳۱۹**	۰/۴۰۲**	۱		۱۰/۳۷	۵۴/۵۹
۸. ناامیدی	۰/۳۸۴**	-۰/۳۲۹**	۰/۰۸۱	۰/۱۶۵*	۰/۳۴۵**	-۰/۲۴۷**	-۰/۵۵۷**	۱	۳/۰۶	۴/۱۰

*p<۰/۰۱ **p<۰/۰۵

[Downloaded from frooyesh.ir on 2026-11-14]
[DOR: 20.1001.1.2383353.1401.11.2.9.8]

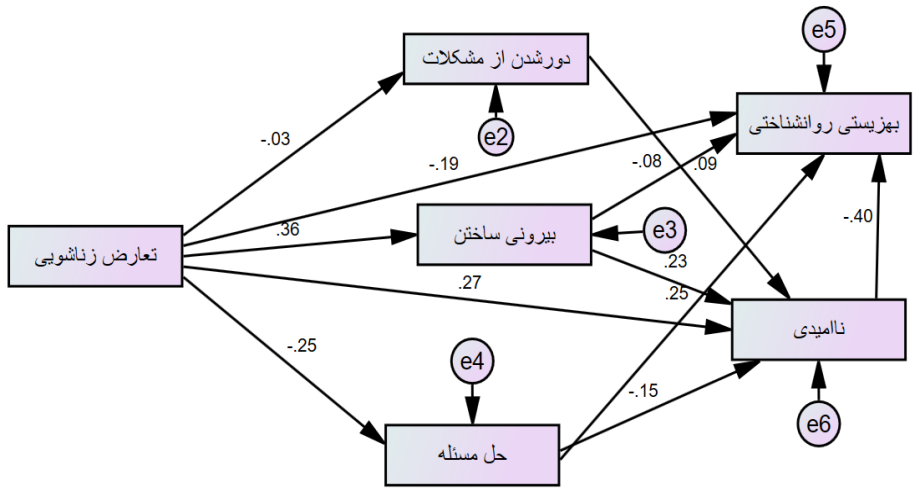

شکل ۲. مدل معادلات ساختاری رابطه تعارض زناشویی والدین از دید فرزند، شیوه‌های مقابله، بهزیستی روانشناختی و ناامیدی

بر طبق جدول (۱) تعارض والدین با جستجوی حمایت اجتماعی، حل مسئله، بهزیستی همبستگی معنی‌دار منفی داشته و برعکس با درونی ساختن، بیرونی ساختن و ناامیدی همبستگی معنی‌دار مثبت داشت. همچنین بهزیستی روانشناختی با جستجوی حمایت و حل مسئله همبستگی معنی‌دار مثبت و با درونی ساختن و بیرونی ساختن همبستگی معنی‌دار منفی داشت. متغیر ناامیدی نیز با درونی ساختن و بیرونی ساختن همبستگی معنی‌دار مثبت و با جستجوی حمایت اجتماعی و حل مسئله همبستگی معنی‌دار منفی داشت.

قبل از بررسی مدل پیش فرض پژوهش، مفروضه نرمال بودن توزیع نمرات با استفاده از آزمون کلوموگروف-اسمیرنوف مورد بررسی قرار گرفت. یافته‌ها نشان داد که مقادیر آزمون برای تعارض زناشویی والدین (F=۰/۰۷۴ ،p=۰/۰۸۲)، دورشدن از مشکلات (p=۰/۲۰۰، F=۰/۰۶۳)، بیرونی‌سازی (F=۰/۰۷۵ ،p=۰/۰۷۷)، حل مسئله (F=۰/۰۷۲ ،p=۰/۱۶۸)، بهزیستی روانشناختی (p=۰/۲۰۰، F=۰/۰۵۹) و تاامیدی (F=۰/۰۷۰ ،p=۰/۲۰۰) غیرمعنی‌دار است که نشان می‌دهد توزیع نمرات متغیرها در جامعه نرمال هستند. خطی بودن رابطه بین متغیرها، عدم هم خطی بین متغیرهای مستقل و استقلال مقادیر خطا از یکدیگر مورد نیز بررسی و تأیید قرار گرفت. مقادیر آزمون تورم واریانس کوچکتر از ۲ و مقادیر آزمون تحمل بزرگتر از ۰/۶ بود که نشان از عدم هم خطی متغیرهای مستقل با یکدیگر می داد. مقدار آزمون دوربین واتسون نیز کمتر از ۴ بود که نشان از استقلال متغیرهای خطا از یکدیگر می داد. خطی بودن رابطه بین متغیرها نیز با استفاده از نمودار نقطه ای مورد بررسی قرار و تأیید گرفت.

جدول ۲. ضرایب تأثیر مستقیم بین متغیرهای پژوهش در مدل

مسیر	Estimate		S.E.	t	Sig
	غیر استاندارد	استاندارد			
تعارض والدین← بیرونی ساختن	۰/۰۶۴	۰/۳۵۸	۰/۰۱۳	۵/۰۰	۰/۰۰۱
تعارض والدین← دور شدن	-۰/۰۱۰	-۰/۰۲۷	۰/۰۲۷	-۰/۳۵۷	۰/۷۲۱
تعارض والدین← حل مسئله	-۰/۱۰۶	-۰/۲۵۱	۰/۰۳۱	-۳/۳۸۶	۰/۰۰۱
تعارض والدین← ناامیدی	۰/۰۵۳	۰/۲۶۸	۰/۰۱۵	۳/۵۹۴	۰/۰۰۱
دور شدن← ناامیدی	۰/۰۵۱	۰/۰۹۲	۰/۰۳۸	۱/۳۵۵	۰/۱۷۵
حل مسئله← ناامیدی	-۰/۰۷۱	-۰/۱۵۲	۰/۰۳۳	-۲/۱۷۱	۰/۰۳۰
بیرونی ساختن← ناامیدی	۰/۲۴۹	۰/۲۲۸	۰/۰۷۹	۳/۱۴۳	۰/۰۰۲
تعارض والدین← بهزیستی روانشناختی	-۰/۱۲۸	-۰/۱۹۱	۰/۰۴۴	-۲/۸۸۱	۰/۰۰۴
بیرونی ساختن← بهزیستی روانشناختی	-۰/۲۹۸	-۰/۰۸۰	۰/۲۳۸	-۱/۲۵۱	۰/۲۱۱
حل مسئله← بهزیستی روانشناختی	۰/۳۸۹	۰/۲۶۴	۰/۰۹۶	۴/۰۳۹	۰/۰۰۱
ناامیدی← بهزیستی روانشناختی	-۱/۳۴۲	-۰/۳۹۶	۰/۲۲۳	-۶/۰۲۶	۰/۰۰۱

[Downloaded from frooyesh.ir on 2026-11-14]
[DOR: 20.1001.1.2383353.1401.11.2.9.8]

یافته‌های جدول ۲ نشان می‌دهد که مسیرهای مستقیم تعارض والدین به دور شدن از مشکل و بهزیستی روانشناختی، دور شدن از مشکل به ناامیدی، حل مسئله به ناامیدی، بیرونی ساختن به ناامیدی و بهزیستی روانشناختی از لحاظ آماری معنی‌دار می‌باشند (p<۰/۰۵). با این حال، مسیر مستقیم تعارض والدین به بیرونی ساختن، حل مسئله و ناامیدی، همچنین مسیرهای مستقیم حل مسئله به بهزیستی روانشناختی و ناامیدی به بهزیستی روانشناختی از لحاظ آماری معنی‌دار نبود (p>۰/۰۵).

جدول(۳) نتایج روش بوت‌استراپ در بررسی مسیرهای غیرمستقیم

مسیر	Bootstrap	Sig
تعارض والدین← شیوه‌های مقابله← ناامیدی	۰/۱۱۷	-۰/۰۳۹
دور شدن← ناامیدی← بهزیستی روانشناختی	-۰/۰۳۶	۰/۰۲۸
بیرونی ساختن← ناامیدی← بهزیستی روانشناختی	-۰/۰۹	۰/۰۳۳
شیوه‌های مقابله← بهزیستی روانشناختی← تعارض والدین	-۰/۲۴۳	-۰/۰۴۹
حل مسئله ← ناامیدی← بهزیستی روانشناختی	۰/۰۶	۰/۰۳۱

جهت تعیین معنی‌داری روابط غیرمستقیم، از روش بوت‌استراپ استفاده شد که نتایج آن در جدول ۴ نشان داده شده است. ضریب غیرمستقیم تأثیر تعارض بر ناامیدی از طریق شیوه‌های مقابله معنی‌دار است (p<۰/۰۳۹). ضریب غیرمستقیم تأثیر سبک دور شدن از مشکل (دوری‌گزینی) بر بهزیستی روان‌شناختی از طریق ناامیدی، معنی‌دار است (p<۰/۰۲۸). ضریب غیرمستقیم تأثیر سبک بیرونی‌سازی بر بهزیستی روان‌شناختی از طریق ناامیدی، معنی‌دار است (p<۰/۰۳۳). ضریب غیرمستقیم تأثیر شیوه‌های مقابله بر تعارض والدین از طریق بهزیستی روان‌شناختی معنی‌دار است (p<۰/۰۴۹). ضریب غیرمستقیم تأثیر شیوه حل مسئله بر بهزیستی روان‌شناختی از طریق ناامیدی معنی‌دار است (p<۰/۰۳۱).

جدول ۴. شاخص‌های تناسب مدل

CMIN	DF	P	CMIN/DF	RMR	GFI	AGFI	NFI	RFI	IFI	TLI	CFI	RMSEA
۵/۰۵۲	۴	۰/۲۸۲	۱/۲۶۳	۱/۵۶۸	۰/۹۹۰	۰/۹۴۹	۰/۹۷۲	۰/۸۹۳	۰/۹۹۴	۰/۹۷۶	۰/۹۹۴	۰/۰۳۹
Level of acceptance		p>۰/۰۵	< ۳	< ۲	>۰/۹۰	>۰/۹۰	>۰/۹۰	>۰/۹۰	>۰/۹۰	>۰/۹۰	>۰/۹۰	< ۰/۰۸

به منظور بررسی مدل معادلات ساختاری، شاخص‌های برازش مورد بررسی قرار گرفت. بر اساس جدول (۴) مقدار کای اسکوئر غیر معنی‌دار بوده و نسبت کای اسکوئر به درجه آزادی CMIN/DF =۱/۲۶۳ بود که معمولاً شاخص‌های زیر ۵ مطلوب تلقی می‌شود. شاخص-های نیکویی برازش[1](GFI) شاخص برازش هنجار شده[2](NFI)، شاخص برازش نسبی[3](RFI)، شاخص برازش افزایشی[4](IFI)، شاخص برازش تطبیقی[5](CFI) نیز همگی بالای ۰/۹۰ بودند که برای برازش مدل مدل مطلوب تلقی می‌شدند. ریشه میانگین مربعات خطای برآورد[6](RMSEA) نیز که بایستی کمتر از ۰/۰۸ باشد، در مدل حاضر ۰/۰۳۹ بدست آمد که معنی‌دار می‌باشد. یافته‌های مربوط به برآورد ضرایب مسیر برای بررسی فرضیه‌های مستقیم در جدول ۳ ارائه شده است.

بحث و نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر با هدف بررسی رابطه تعارض زناشویی والدین از دید فرزند نوجوان و بهزیستی روانشناختی و ناامیدی با در نظر گرفتن نقش میانجی شیوه‌های مقابله در دانش‌آموزان دختر انجام شد.

1 . Goodness of Fit Index (GFI)
2 . Normal Fit Index (NFI)
3 . Relative Fit Index (RFI)
4 . Incremental Fit Index (IFI)
5 . Comparative Fit Index (CFI)
6 root mean square error of approximation

[Downloaded from frooyesh.ir on 2026-11-14]
[DOR: 20.1001.1.2383353.1401.11.2.9.8]

یافته اول پژوهش نشان داد که ادراک تعارض والدین با خرده مقیاس اجتناب از مشکل رابطه مستقیم منفی معناداری دارد. این یافته با نتیجه پژوهش (آیزنبرگ و همکاران، ۲۰۱۵؛ رود و همکاران، ۲۰۱۲؛ روگلینی[1] و همکاران، ۲۰۲۰) همسو بود. در تبیین این یافته می‌توان گفت، شیوه مقابله‌ای اجتناب از مشکل، از خود، اینجا، حال یا واقعیت به افراد این امکان را می‌دهد تا از نظر ذهنی فراتر از تجربیات فوری و برانگیختگی در یک موقعیت باشند (تراپ و لیدرمن،[2] ۲۰۱۰). اجتناب می‌تواند یک گام ضروری برای کنترل آگاهانه موقعیت‌های تعارض باشد، استفاده از شیوه‌ی مقابله‌ای اجتناب، با دور کردن توجه شخص از جزئیات مشخص یک تجربه ناخوشایند، احساسات منفی را کاهش می‌دهد و از این طریق امکان انطباق و سازگاری را فراهم می‌آورد (کازیر و ایل،[3] ۲۰۱۳). اگرچه اجتناب از مشکل بدون تلاش برای ایجاد معنا و باز نگری مشکل می‌تواند باعث احساسات منفی (رود و همکاران، ۲۰۱۲) بیشتر شود، بنابراین موفقیت اجتناب ممکن است به چگونگی ادراک نوجوانان از تعارض و چالش‌های زندگی خود وابسته باشد و با افزایش ادراک تعارض والدین امکان استفاده از شیوه‌ی مقابله‌ای اجتناب کاهش پیدا کند. از طرفی ادراک تعارض و بیرونی ساختن و حل مسئله رابطه معنادار نداشته است که با یافته‌های پژوهش (کامینگز و همکاران، ۲۰۱۰) که بیان داشتند با رسیدن به نوجوانی و دوران بلوغ مهارت‌های اجتماعی و روابط همسالان پیامدهایی برای مهارت حل مسئله، درونی‌سازی یا برونی‌سازی مشکلات، موفقیت تحصیلی و... دارند که نسبت به پیامد و اثرگذاری تعارض والدین کمتر است، همسو بود. علت دیگر عدم معناداری می‌توانست این نکته باشد که تعارض والدین در نمونه‌ی ما پایین بود و ادراک تعارض در فرزندان خانواده‌هایی که اشکال شدیدتری از نزاع را تجربه می‌کنند، متفاوت است (کامینگز و همکاران، ۲۰۱۲؛ روگلینی و همکاران، ۲۰۲۰). به احتمال زیاد ممکن است نوجوانانی که شاهد اشکال شدید پرخاشگری جسمی والدین و دعواهای شدید بین والدین خود بوده و یا قربانی این تجاوز هستند، صرف‌نظر از اینکه سطح تعارض فروکش کند، شیوه‌ی مقابله‌ای متفاوتی را داشته باشند.

یافته دوم پژوهش نشان داد که بین ادراک تعارض با ناامیدی رابطه مستقیم معناداری وجود ندارد. این یافته با نتیجه پژوهش (همیلتون[4] و همکاران، ۲۰۱۵) همسو بود. در تبیین این یافته می‌توان گفت، اگرچه عوامل استرس‌زای بین فردی مانند آسیب‌پذیری عاطفی خانوادگی و همسالان در ناامیدی نقش دارند، اما نوجوانانی که تمایل بیشتری به فکر کردن و برنامه‌ریزی برای آینده (یعنی جهت‌گیری آینده) دارند، به‌طور بیشتری در برابر توسعه ناامیدی (به‌ویژه ناامیدی در زمینه وقایع منفی) محافظت می‌شدند. همچنین در دو گروه نوجوانان که سابقه آسیب‌پذیری عاطفی حاصل از همسالان و روابط خانوادگی داشتند، در میان نوجوانان با جهت‌گیری‌های آینده ضعیف‌تر، نتایج پیش‌بینی ناامیدی بسیار بیشتر بود. بنابراین، در ناامیدی نوجوانان ممکن است عوامل دیگری هم به جز تعارض والدین دخیل باشد.

یافته سوم پژوهش نشان داد که بین تعارض والدین و بهزیستی روانشناختی رابطه‌ی منفی و معنادار وجود دارد. این یافته همسو با مطالعاتی است که نشان می‌دهند که تعارض والدین بیشتر با بهزیستی روانشناختی دانش‌آموزان ارتباط منفی دارد (کالمیجن، ۲۰۱۶؛ واناسچه[5] و همکاران، ۲۰۱۳). در تبیین این یافته می‌توان گفت، درگیری مداوم، ارتباط مسدود و عدم تعادل قدرت بین والدین برای عملکرد دانش‌آموز و خانواده مشکل‌ساز است. کلی[6](۱۹۹۳) اظهار داشت که تعارض والدین از طریق فرآیندهای جامعه‌پذیری تأثیر غیرمستقیم و از طریق کاهش حضور والدین و کاهش پاسخگویی والدین، تأثیر مستقیمی بر فرزندان دارد. مطالعات بر امنیت عاطفی، برای توضیح پیوند بین تعارض والدین و بهزیستی کودک متمرکز است (فابریسیوز[7] و همکاران، ۲۰۱۲؛ رادتزکی[8] و همکاران، ۲۰۲۱) اختلاف و تعارض بین والدین به دلیل نقض احساس امنیت عاطفی نوجوانان و به وجود آمدن برانگیختگی عاطفی منجر به پیامدهای منفی در آنها می‌شود. وقتی فرزندان فکر می‌کنند دیگر از مراقبت والدین و زندگی بدون تنش برخوردار نیستند، توانایی آنها در مقابله با شرایط استرس‌زا کاهش پیدا می‌کند (واناسچه و همکاران، ۲۰۱۳)؛ و این ادراک تعارض والدین بدین وسیله با بهزیستی روان‌شناختی آنها در ارتباط است.

1 Rognli
2 Tope and Liberman
3 Katzir and Eyal
4 Hamilton
5 Vanassche
6 Kelly
7 Fabricius
8 Radetzki

[Downloaded from frooyesh.ir on 2026-11-14]
[DOR: 20.1001.1.2383353.1401.11.2.9.8]

یافته چهارم پژوهش نشان داد که بین ناامیدی و دو شیوه‌ی مقابله‌ای دور شدن از مشکل و بیرونی ساختن، رابطه مثبت معنادار و بین ناامیدی با شیوه مقابله‌ای حل مسئله رابطه منفی و معنادار وجود دارد. این یافته با پژوهش‌های (واتان[1] و همکاران، ۲۰۱۴؛ کتیمانی و همکاران، ۲۰۱۵) همسو بود. در تبیین این یافته می‌توان گفت، ناامیدی وضعیت شناختی است که اغلب با افسردگی همراه است و در بسیاری از نوجوانانی که در معرض تعارضات و مشکلات قرار دارند، برجسته است. مطالعات عموماً نشان می‌دهد که افراد نوجوانی که احساس افسردگی، ناامیدی داشته و حتی تمایل به خودکشی دارند، از راهکارهای مقابله ناسازگارانه و غیرفعال استفاده می‌کنند (لوپز[2] و همکاران، ۲۰۲۰). انواع خاصی از شیوه‌های مقابله مانند اجتناب و دور شدن به‌جای شیوه‌ی حل مسئله ممکن است شخص ناامید و بی‌انگیزه را به سمت رفتارهای مستعد خطر هدایت کند (متیو و نانو[3] ۲۰۱۳). بنابراین ناامیدی با انتخاب شیوه‌های مقابله در ارتباط است. از طرفی در پژوهش حاضر ناامیدی با بهزیستی روانشناختی رابطه‌ی منفی داشته اما مسیر معنادار نبوده است. امید متشکل از شناختی است که احتمالاً در آینده نتایج مطلوب روی می‌دهد. تصور می‌شود این شناخت بر ایجاد رفتارهای هدفمندی که به دستیابی به هدف و بهزیستی روانشناختی می‌انجامد، اثرگذار بوده و بر احساسات مثبت و منفی افراد تأثیر می‌گذارد. ناامیدی با عدم کنترل توانایی ذاتی همراه بوده و کاهش عملکرد تحصیلی را در بین دانش‌آموزان دبیرستانی و دانشگاهی پیش‌بینی می‌کند و درحالی‌که امید بالاتر با بهزیستی روانشناختی بیشتری در بین دانشجویان همراه بوده است (رند[4] و همکاران، ۲۰۱۱). در تبیین عدم معناداری می‌توان گفت به علت نرمال بودن نمونه‌ی تحقیق حاضر، میزان ناامیدی به اندازه‌ای نبوده که بتواند بهزیستی روانشناختی را تحت‌تأثیر قرار دهد.

یافته پنجم پژوهش نشان داد که رابطه مستقیم بین بیرونی ساختن و بهزیستی روانشناختی به‌طور منفی معنادار بوده و از طرفی، حل مسئله با بهزیستی روانشناختی رابطه‌ی مثبت داشته اما مسیر معنادار نبوده است. این یافته با پژوهش‌های (گلر[5] و همکاران، ۲۰۰۷؛ پیت[6] و همکاران، ۲۰۱۸) همسو است. در تبیین این یافته می‌توان گفت، دیدگاه‌های نظری در مورد شیوه‌های مقابله در نوجوانی تصدیق می‌کنند که زمینه موقعیتی و همچنین خصوصیات فردی بر انتخاب استراتژی‌های مقابله تأثیر می‌گذارد. تلاش‌های مقابله‌ای نوجوانان بسته به ماهیت واقعه‌ی استرس‌زا ممکن است متفاوت باشد و فاکتورها یا سبک‌های مقابله‌ای را نمی‌توان فرض کرد که در همه حوزه‌ها سازگار باشد. به عنوان مثال، تحقیقات تجربی نشان داده است که نوجوانان در مواجهه با عوامل استرس‌زای وابسته به همسالان و استراتژی‌های ناکارآمدتر هنگام مواجهه با مشکلات والدین یا مدرسه، تمایل دارند از شیوه‌های مقابله‌ای مثل بیرونی ساختن استفاده کنند (سیکونانی،[7] ۲۰۱۱). چنین تفاوت‌هایی ممکن است مربوط به ارزیابی‌های مختلف ماهیت استرس‌زا باشد، در حوزه رابطه بهزیستی روانی و راهبردهای مقابله‌ای، می‌توان گفت که بهزیستی روانی در یک تعامل دو طرفه، از سویی از نتایج انتخاب و استفاده از راهبردهای مقابله‌ای مؤثر و متناسب با تغییر و تنش محسوب می‌شود و از سوی دیگر، خود زمینه‌ساز فضای روانی سالمی است که در پرتو آن شناخت صحیح و ارزیابی درست موقعیت تنش‌زا جهت انتخاب راهکار مقابله‌ای مؤثر میسر می‌شود. راهبردهای مقابله‌ای ناکارآمد موجب انفعال در مقابله با موقعیت استرس‌زا و ناتوانی در توانایی به‌کارگیری ابتکار عمل شده و با سطوح بالاتر آشفتگی و کاهش بهزیستی روانی همراه خواهد بود (سدیدی و یمینی، ۱۳۹۷). همچنین ممکن است عوامل فرهنگی و ساختاری در استفاده از شیوه‌های مقابله‌ای می‌تواند اثرگذار باشد.

یافته ششم پژوهش نشان داد که شیوه‌های مقابله می‌تواند به‌عنوان متغیر میانجی در رابطه بین تعارض والدین با ناامیدی و بهزیستی روانشناختی، ایفای نقش کند. این یافته با پژوهش‌های (هامن[8] و همکاران، ۲۰۰۴؛ والاس[9] و همکاران، ۲۰۲۰) همسو است. در تبیین این یافته می‌توان گفت، تحقیقات حاکی از آن است که نوجوانان در معرض سطح بالای تعارض والدین نسبت به نوجوانانی که در معرض تعارض والدین نیستند، احتمال بیشتری دارد از مقابله درونی کردن و بیرونی کردن استفاده کنند. استفاده نوجوانان از مقابله با استراتژی حل مسئله (تلاش برای سازگاری با منبع استرس) در پاسخ به عوامل استرس‌زای حاصل از تعارض والدین با علائم درونی و بیرونی پایین افسردگی و ناامیدی همراه است. در خانواده‌هایی که تعارض وجود دارد، مقابله اجتنابی (تلاش برای خروج از منبع استرس) با سطوح بالاتر

1 Vatan
2 López
3 Mathew and Nanoo
4 Rand
5 Gelhaar
6 Pitt
7 Cicognani
8 Hammen
9 Wallace

[Downloaded from frooyesh.ir on 2026-11-14]
[DOR: 20.1001.1.2383353.1401.11.2.9.8]

علائم افسردگی و ناامیدی است، در ارتباط بوده است (فیر[1] و همکاران، ۲۰۰۹). همچنین مطالعات نشان داد که کودکانی که در هنگام پریشانی و تعارضات شیوه‌های مقابله مثبت شناختی و جستجوی حمایتی به کار می‌برند، در مقابل کودکانی که شیوه‌های مقابله اجتنابی استفاده می‌کنند، خودکارآمدی بیشتر نشان داده و بهزیستی روانشناختی بیشتری داشتند (کامیساسکا[2] و همکاران، ۲۰۱۷). بنابراین، درک تعارض والدین از طریق روش‌هایی که نوجوانان منبع تعارض را ارزیابی می‌کنند (مثلاً خود را مقصر تعارض بین والدین می‌دانند) و پاسخ‌های مقابله‌ای آنها (اجتناب یا جستجوی حمایت و حل مسئله) بر بهزیستی روانشناختی و ناامیدی آنان اثرگذار است.

در نهایت، یافته هفتم پژوهش نشان داد که عامل ناامیدی به‌عنوان متغیر میانجی در رابطه بین سه شیوه‌ی مقابله‌ی دور شدن از مشکل، بیرونی‌سازی و حل مسئله با بهزیستی روانشناختی ایفای نقش می‌کند. این یافته با پژوهش‌های (رودریگز-نارنجو و کائو، ۲۰۱۶؛ لیو[3] و همکاران، ۲۰۱۹؛ ون‌لارهاون[4] و همکاران، ۲۰۱۱) همسو است. در تبیین این یافته می‌توان گفت، بر طبق پژوهش‌ها، مقابله با شیوه اجتنابی (دور شدن از مشکل، بیرونی‌سازی، درونی کردن)، افسردگی و ناامیدی در نوجوانان را پیش‌بینی می‌کند و از طرفی، سطح بالای افسردگی و ناامیدی با سطح پایین بهزیستی همراه است و شیوه مقابله اجتنابی با بهزیستی، افسردگی و ناامیدی رابطه معنی‌داری دارد و استفاده از دو شیوه‌ی مقابله دور شدن از مشکل و بیرونی‌سازی در نوجوانان، منجر به ناامیدی می‌شود و ناامیدی در کاهش بهزیستی روانشناختی آنان مؤثر است. برعکس، پژوهش‌ها بیان داشتند حل مسئله در کاهش علائم افسردگی و ناامیدی اثرگذار بوده (واتان و همکاران، ۲۰۱۴؛ چوی[5] و همکاران، ۲۰۱۶) و با کاهش ناامیدی و ایجاد امیدواری پس از حل مسئله، تاب آوری افزایش یافته و بهزیستی روانشناختی را بهبود می‌بخشد (ساتیکی،[6] ۲۰۱۶).

با توجه به نتایج به دست آمده، مشخص شد تعارض والدین با انتخاب شیوه‌های مقابله‌ای نوجوان (بیرونی ساختن، دور شدن از مشکل و حل مسئله) رابطه داشته و همچنین بهزیستی و ناامیدی نوجوانان را نیز تحت تأثیر قرار می‌دهد. به‌عبارتی دیگر، تعارض زناشویی در والدین نه تنها مستقیم منجر به کاهش بهزیستی روانشناختی و افزایش در نوجوان ناامیدی می‌شود، بلکه منجر به افزایش بیرونی ساختن مشکل و کاهش مهارت حل مسئله در نوجوان می‌شود که به تبع آن، کاهش بهزیستی روانشناختی و افزایش نومیدی را، در آن‌ها به همراه دارد. بر اساس این یافته‌ها می‌توان گفت، نوجوانانی که تعارض زناشویی بیشتری را در والدین خود مشاهده می‌کنند، مهارت‌های مقابله‌ای مناسب را از والدین به عنوان اولین الگوهای خود یاد نمی‌گیرند و هنگام مواجهه با مشکلات، احتمالا به مانند والدین خود از سبک‌های مقابله‌ای نامناسب مانند بیرونی ساختن مشکل بیشتر استفاده می‌کنند تا اینکه سراغ سبک‌های مقابله‌ای مفیدتر مانند حل مسئله و دورشدن از مشکل شوند. این استفاده نامناسب از سبک‌های مقابله، کاهش بهزیستی و افزایش نومیدی را در آنها درپی‌دارد؛ این درحالی است که پیشتر، بهزستی روانشناختی و امید در آن‌ها به دلیل در معرض قرارگرفتن با تعارضات والدین خود، کاهش پیدا کرده بود.

از محدودیت‌های پژوهش حاضر، می توان به عدم کنترل متغیرهای مداخله‌گری مثل وضعیت اجتماعی اقتصادی خانواده به دلیل محدودیت نمونه‌گیری و عدم استفاده از نمونه بزرگتر اشاره کرد از این رو، پیشنهاد می‌شود متغیرهای نام برده در پژوهش‌های آینده با استفاده از روش دقیق‌تر، مورد بررسی قرار گیرد. همچنین پیشنهاد می‌شود در پژوهش‌های آینده، نقش تعارض والدین از دیدگاه فرزندان در دانش‌آموزان پسر نیز مورد بررسی و مقایسه قرار گیرد.

منابع

سدیدی، م و یمینی، م. (۱۳۹۷). پیش‌بینی بهزیستی روان‌شناختی بر اساس راهبردهای مقابله‌ای و ناگویی هیجانی. *مطالعات روان‌شناختی*، ۱۴(۲)، ۱۲۵-۱۴۱. https://dx.doi.org/10.22051/psy.2018.16823.1472

صلواتی، س و شکری، الف. (۱۳۹۴). تحلیل روان‌سنجی مقیاس ارزیابی‌های کودکان خردسال از تعارض بین والدینی. *روانشناسی تحولی: روانشناسان ایرانی*، ۱۱(۴۴)، ۳۸۹-۳۷۹. https://jtbcp.riau.ac.ir/article_109.html

1 Fear
2 Camisasca
3 Liew
4 Van-Laarhoven
5 Choi
6 Satici

[Downloaded from frooyesh.ir on 2026-11-14]
[DOR: 20.1001.1.2383353.1401.11.2.9.8]

قره باغی، ف و وفایی، م. (۱۳۸۸). ارزیابی شناختی، مقابله هیجان مدار با تعارضات خانواده و سلامت کودک: بررسی نظریه شناختی استرس در کودکان دبستانی. *مطالعات روان‌شناختی*، ۵(۴)، ۸۴-۶۷. https://dx.doi.org/10.22051/psy.2009.1613

نجاتی، و؛ اسماعیلیان، ن و امانی، الف. (۱۳۹۴). ویژگی‌های روان‌سنجی و ساختار عاملی مقیاس ناامیدی کودکان و نوجوانان. *اندیشه و رفتار در روان‌شناسی بالینی*، ۹(۳۴)، ۷۶-۶۷. https://jtbcp.riau.ac.ir/article_109.html

Achenbach, T. M., & Rescorla, L. A. (2000). *Manual for the ASEBA preschool forms and profiles*. Burlington, VT: University of Vermont, Research center for children, youth, & families.

Adam, C. (2013). *Factors affecting CEGEP students' endorsement of the New Ecological Paradigm*. Commi Sherbrooke, Québec.

Bandura, A. (1986). Fearful expectations and avoidant actions as coeffects of perceived self-inefficacy. *American Psychologist, 41*(12), 1389-1391. https://psycnet.apa.org/doi/10.1037/0003-066X.41.12.1389

Beck, S. J., & Ledbetter, A. M. (2013). The influence of parent conflict style on children. *Personal Relationships, 20*(3), 495-510. https://doi.org/10.1111/j.1475-6811.2012.01420.x

Boxer, P., Sloan-Power, E., Mercado, I., & Schappell, A. (2012). Coping with stress, coping with violence: Links to mental health outcomes among at-risk youth. *Journal of Psychopathology and Behavioral Assessment, 34*(3), 405–414. https://dx.doi.org/10.1007%2Fs10862-012-9285-6

Boyes, M., Carmody, T., Clarke, P., & Hasking, P. (2017). Emotional reactivity and perseveration: Independent dimensions of trait positive and negative affectivity and differential associations with psychological distress. *Personality and Individual Differences, 105*(15), 70-77. https://doi.org/10.1016/j.paid.2016.09.025

Branje, S. (2018). Development of parent–adolescent relationships: Conflict interactions as a mechanism of change. *Child Development Perspectives, 12*(3), 171-176. https://psycnet.apa.org/doi/10.1111/cdep.12278

Camisasca, E., Miragoli, S., Di Blasio, P., & Grych, J. (2017). Children's coping strategies to inter-parental conflict: The moderating role of attachment. *Journal of child and family studies, 26*(4), 1099-1111. https://doi.org/10.1007/s10826-016-0645-9

Castellano, R., Velotti, P., Crowell, J. A., & Zavattini, G. C. (2014). The role of parents' attachment configurations at childbirth on marital satisfaction and conflict strategies. *Journal of Child and Family Studies, 23*(6), 1011–1026. https://doi.org/10.1007/s10826-013-9757-7

Chen, Y., Peng, Y., Xu, H., & O'Brien, W. H. (2018). Age differences in stress and coping: Problem-focused strategies mediate the relationship between age and positive affect. *The International Journal of Aging and Human Development, 86*(4), 347-363. https://doi.org/10.1177%2F0091415017720890

Choi, N. G., Marti, C. N., & Conwell, Y. (2016). Effect of problem- solving therapy on depressed low- income homebound older adults' death/suicidal ideation and hopelessness. *Suicide and Life- Threatening Behavior, 46*(3), 323-336. https://doi.org/10.1111/sltb.12195

Cicognani, E. (2011). Coping strategies with minor stressors in adolescence: Relationships with social support, self- efficacy, and psychological well- being. *Journal of Applied social psychology, 41*(3), 559-578. https://doi.org/10.1111/j.1559-1816.2011.00726.x

Cummings, E. M., George, M. R., McCoy, K. P., & Davies, P. T. (2012). Interparental conflict in kindergarten and adolescent adjustment: Prospective investigation of emotional security as an explanatory mechanism. *Child development, 83*(5), 1703-1715. https://doi.org/10.1111/j.1467-8624.2012.01807.x

Cummings, E. M., Koss, K. J., & Davies, P. T. (2015). Prospective relations between family conflict and adolescent maladjustment: Security in the family system as a mediating process. *Journal of abnormal child psychology, 43*(3), 503-515. https://doi.org/10.1007/s10802-014-9926-1

Deterding, S. (2012). Gamification: designing for motivation. *interactions, 19*(4), 14-17. https://doi.org/10.1145/2212877.2212883

Eisenberg, N., Hofer, C., Sulik, M. J., & Spinrad, T. L. (2014). *Self–regulation, effortful control, and their socioemotional correlates*. In J. J. Gross (Ed.), Handbook of emotion regulation (2nd ed.). New York: Guilford.

Fabricius, W. V., Sokol, K. R., Diaz, P., & Braver, S. L. (2012). *Parenting time, parent conflict, parent-child relationships, and children's physical health*. In Kuehnle, K. & Drozd, L. (Eds.) Parenting Plan Evaluations: Applied Research for the Family Court. Oxford University Press.

Fear, J. M., Champion, J. E., Reeslund, K. L., Forehand, R., Colletti, C., Roberts, L., & Compas, B. E. (2009). Parental depression and interparental conflict: Children and adolescents' self-blame and coping responses. *Journal of Family Psychology, 23*(5), 762-783. https://psycnet.apa.org/doi/10.1037/a0016381

Francios, E. D. (2008). *Children conceptions and hopefulness and hopelessness*. An un-published thesis for Master of Psychology, Department of Psychology, Franklin and Marshal College.

Gaylord-Harden, N. K., So, S., Bai, G. J., Henry, D. B., & Tolan, P. H. (2017). Examining the pathologic adaptation model of community violence exposure in male adolescents of color. *Journal of Clinical Child & Adolescent Psychology, 46*(1), 125-135. https://doi.org/10.1080/15374416.2016.1204925

Causey, D. L., & Dubow, E. F. (1992). Development of a self-report coping measure for elementary school children. *Journal of Clinical Child and Adolescent Psychology, 21*(1), 47-59. https://doi.org/10.1207/s15374424jccp2101_8

[Downloaded from frooyesh.ir on 2026-11-14]
[DOR: 20.1001.1.2383353.1401.11.2.9.8]

Gelhaar, T., Seiffge-Krenke, I., Borge, A., Cicognani, E., Cunha, M., Loncaric, D., ... & Metzke, C. W. (2007). Adolescent coping with everyday stressors: A seven-nation study of youth from central, eastern, southern, and northern Europe. *European Journal of Developmental Psychology*, *4*(2), 129-156. https://doi.org/10.1080/17405620600831564

Grych, J. H., Seid, M., & Fincham, F. D. (1992). Assessing marital conflict from the child's perspective: The Children's Perception of Interparental Conflict Scale. *Child development*, *63*(3), 558-572. https://doi.org/10.1111/j.1467-8624.1992.tb01646.x

Halverson, H., & Green, K. (2020). *Do Intrinsic and Extrinsic Motivation Encourage Different Facets of Hope?* Undergraduate Psychology, Online University Research Symposium.

Hamilton, J. L., Connolly, S. L., Liu, R. T., Stange, J. P., Abramson, L. Y., & Alloy, L. B. (2015). It gets better: Future orientation buffers the development of hopelessness and depressive symptoms following emotional victimization during early adolescence. *Journal of abnormal child psychology*, *43*(3), 465-474. https://doi.org/10.1007/s10802-014-9913-6

Hammen, C., Brennan, P. A., & Shih, J. H. (2004). Family discord and stress predictors of depression and other disorders in adolescent children of depressed and nondepressed women. *Journal of the American Academy of Child & Adolescent Psychiatry*, *43*(8), 994-1002. https://doi.org/10.1097/01.chi.0000127588.57468.f6

Hewitt, P. L., Caelian, C. F., Chen, C., & Flett, G. L. (2014). Perfectionism, stress, daily hassles, hopelessness, and suicide potential in depressed psychiatric adolescents. *Journal of Psychopathology and Behavioral Assessment*, *36*(4), 663-674. https://doi.org/10.1007/s10862-014-9427-0

Holmbeck, G. N. (2018). *A model of family relational transformations during the transition to adolescence: Parent–adolescent conflict and adaptation*. In Transitions through adolescence (pp. 167-199). Psychology Press.

Jones, D. C., & Newman, J. B. (2009). Early adolescent adjustment and critical evaluations by self and other: The prospective impact of body image dissatisfaction and peer appearance teasing on global self-esteem. *International Journal of Developmental Science*, *3*(1), 17-26. https://doi.org/10.3233/DEV-2009-3104

Joshanloo, M. (2019). Investigating the relationships between subjective well-being and psychological well-being over two decades. *Emotion*, *19*(1), 183-195. https://doi.org/10.1037/emo0000414

Kalmijn, M. (2016). Father–child contact, interparental conflict, and depressive symptoms among children of divorced parents. *European Sociological Review*, *32*(1), 68-80. https://doi.org/10.1093/esr/jcv095

Kattimani, S., Sarkar, S., Rajkumar, R. P., & Menon, V. (2015). Stressful life events, hopelessness, and coping strategies among impulsive suicide attempters. *Journal of neurosciences in rural practice*, *6*(2), 171-185. https://dx.doi.org/10.4103/0976-3147.153222

Katzir, M., & Eyal, T. (2013). When stepping outside the self is not enough: A self-distanced perspective reduces the experience of basic but not of self-conscious emotions. *Journal of Experimental Social Psychology*, *49*(6), 1089-1092. https://doi.org/10.1016/j.jesp.2013.07.006

Kazdin, A. E., Rodgers, A., & Colbus, D. (1986). The Hopelessness Scale for Children: Psychometric characteristics and concurrent validity. *Journal of consulting and clinical psychology*, *54*(2), 241-245. https://doi.org/10.1037//0022-006x.54.2.241

Kelly, J. B. (1993). Current research on children's postdivorce adjustment. No simple answers. *Family and Conciliation courts Review*, *31*(1), 29-49. https://doi.org/10.1111/j.174-1617.1993.tb00281.x

Kimhi, S., Eshel, Y. ve Shahar, E. (2013). Optimism as a predictor of the effects of laboratory-induced stres on fears and hope. *International Journal of Psychology*, *48*(4), 641-648. https://doi.org/10.1080/00207594.2012.676181

Lampropoulou, A. (2018). Personality, school, and family: What is their role in adolescents' subjective well-being. *Journal of adolescence*, *67*, 12-21. https://doi.org/10.1016/j.adolescence.2018.05.013

Legerstee, J. S., Garnefski, N., Jellesma, F. C., Verhulst, F. C., & Utens, E. M. (2010). Cognitive coping and childhood anxiety disorders. *Journal of European Child & Adolescent Psychiatry*, *19*(2), 143-150. https://doi.org/10.1007/s00787-009-0051-6

Lew, B., Huen, J., Yu, P., Yuan, L., Wang, D. F., Ping, F., ... & Jia, C. X. (2019). Associations between depression, anxiety, stress, hopelessness, subjective well-being, coping styles and suicide in Chinese university students. *PloS One*, *14*(7), e0217372. https://doi.org/10.1371/journal.pone.0217372

Li, W. H., Chung, J. O. K., Ho, K. Y., & Kwok, B. M. C. (2016). Play interventions to reduce anxiety and negative emotions in hospitalized children. *BMC pediatrics*, *16*(1), 36-48. https://doi.org/10.1186/s12887-016-0570-5

Liddle, I., & Carter, G. (2010). *Emotional and psychological wellbeing in children: The standardisation of the Stirling Children's Wellbeing Scale*. Scotland: Stirling Council Educational Psychology Service.

López Jr, R., Brick, L. A., Defayette, A. B., Whitmyre, E. D., Wolff, J., Frazier, E., ... & Esposito-Smythers, C. (2020). Depressive symptom severity mediates the association between avoidant problem-solving style and suicidal ideation. *Journal of affective disorders*, *274*, 662-670. https://doi.org/10.1016/j.jad.2020.05.120

Mathew, A., & Nanoo, S. (2013). Psychosocial stressors and patterns of coping in adolescent suicide attempters. *Indian journal of psychological medicine*, *35*(1), 39-46. https://dx.doi.org/10.4103%2F0253-7176.112200

Merolla, A. J., & Kam, J. A. (2018). Parental hope communication and parent-adolescent constructive conflict management: A multilevel longitudinal analysis. *Journal of Family Communication*, *18*(1), 32-50. https://doi.org/10.1080/15267431.2017.1385461

Milona, M. (2019). Finding hope. *Canadian Journal of Philosophy*, *49*(5), 710-729. https://doi.org/10.1080/00455091.2018.1435612

[Downloaded from frooyesh.ir on 2026-11-14]
[DOR: 20.1001.1.2383353.1401.11.2.9.8]

Moura, O., Santos, R. A., Rocha, M., & Matos, P. M. (2010). Children's Perception of Interparental Conflict Scale (CPIC): Factor structure and invariance across adolescents and emerging adults. *International Journal of Testing, 10*(4), 364-382. https://doi.org/10.1080/15305058.2010.487964

Nishida, C., Ishimoto, Y., Takizawa, Y., Katayama, T., & Matsumoto, Y. (2021). Preliminary evidence for the reliability and validity of the Stirling children's well-being scale (SCWBS) with Japanese children. *International Journal of Educational Research Open, 2*, e100034. https://doi.org/10.1016/j.ijedro.2021.100034

Ojala, M. (2012). Regulating Worry, Promoting Hope: How Do Children, Adolescents, and Young Adults Cope with Climate Change?. *International Journal of Environmental and Science Education*, *7*(4), 537-561. https://eric.ed.gov/?id=EJ997146

Pitt, A., Oprescu, F., Tapia, G., & Gray, M. (2018). An exploratory study of students' weekly stress levels and sources of stress during the semester. *Active Learning in Higher Education, 19*(1), 61-75. https://doi.org/10.1177%2F1469787417731194

Quy, K., Gibb, J., Neil, L., & Smith, M. (2019). Development and Preliminary Validation of a Self-Report Coping Response Measure in a Community Sample of Children in Middle Childhood. *Journal of Personality Assessment*, *102*(5), 628-640. https://doi.org/10.1080/00223891.2019.1606003

Radetzki, P. A., Deleurme, K. A., & Rogers, S. M. (2021). The implications of high-conflict divorce on adult–children: Five factors related to well-being. *Journal of Family Studies, 52*(3), 1-21. https://doi.org/10.1080/13229400.2020.1754277

Rand, K. L., Martin, A. D., & Shea, A. M. (2011). Hope, but not optimism, predicts academic performance of law students beyond previous academic achievement. *Journal of Research in Personality*, *45*(6), 683-686. https://doi.org/10.1016/j.jrp.2011.08.004

Rodríguez-Naranjo, C., & Caño, A. (2016). Daily stress and coping styles in adolescent hopelessness depression: Moderating effects of gender. *Personality and Individual Differences*, *97*, 109-114. https://doi.org/10.1016/j.paid.2016.03.027

Rognli, E. W., Waraan, L., Czajkowski, N. O., Solbakken, O. A., & Aalberg, M. (2020). Conflict with parents in adolescent depression: Associations with parental interpersonal problems and depressive symptoms. *Child Psychiatry & Human Development*, *12*(5), 1-11. https://doi.org/10.1007/s10578-020-00955-0

Rood, L., Roelofs, J., Bögels, S. M., & Arntz, A. (2012). The effects of experimentally induced rumination, positive reappraisal, acceptance, and distancing when thinking about a stressful event on affect states in adolescents. *Journal of abnormal child psychology*, *40*(1), 73-84. https://doi.org/10.1007/s10802-011-9544-0

Roth, S., & Cohen, L. J. (1986). Approach, avoidance, and coping with stress. *American psychologist*, *41*(7), 813-828. https://psycnet.apa.org/doi/10.1037/0003-066X.41.7.813

Satici, S. (2016). Psychological vulnerability, resilience, and subjective well-being: The mediating role of hope. *Personality and Individual Differences*, *102*, 68-73. https://doi.org/10.1016/j.paid.2016.06.057

Sawyer, S. M., Azzopardi, P. S., Wickremarathne, D., & Patton, G. C. (2018). The age of adolescence. *The Lancet Child & Adolescent Health*, *2*(3), 223-228. https://doi.org/10.1016/S2352-4642(18)30022-1

Segerstrom, S. C., & Miller, G. E. (2004). Psychological stress and the human immunesystem: A meta-analytic study of 30 years of inquiry. *Psychological Bulletin, 130*, 601–630. https://doi.org/10.1037/0033-2909.130.4.601

Shubert, J., Wray- Lake, L., Syvertsen, A. K., & Metzger, A. (2019). Examining character structure and function across childhood and adolescence. *Child development*, *90*(4), 505-524. https://doi.org/10.1111/cdev.13035

Snyder, C. R., Hoza, B., Pelham, W. E., Rapoff, M., Ware, L., Danovsky, M., ... & Stahl, K. J. (1997). The development and validation of the Children's Hope Scale. *Journal of pediatric psychology*, *22*(3), 399-421. https://doi.org/10.1093/jpepsy/22.3.399

Swift, L. E., Orapallo, A., & Kanine, R. M., (2020). The Self-Report Coping Measure in an Urban School Sample: Factor Structure and Coping Differences. *School Mental Health, 12*(1), 99-112. https://doi.org/10.1007/s12310-019-09332-2

Trope, Y., & Liberman, N. (2010). Construal-level theory of psychological distance. *Psychological review*, *117*(2), 440-463. https://dx.doi.org/10.1037%2Fa0018963

Van Laarhoven, H. W., Schilderman, J., Bleijenberg, G., Donders, R., Vissers, K. C., Verhagen, C. A., & Prins, J. B. (2011). Coping, quality of life, depression, and hopelessness in cancer patients in a curative and palliative, end-of-life care setting. *Cancer Nursing*, *34*(4), 302-314. https://doi.org/10.1097/ncc.0b013e3181f9a040

Vanassche, S., Sodermans, A. K., Matthijs, K., & Swicegood, G. (2013). Commuting between two parental households: The association between joint physical custody and adolescent wellbeing following divorce. *Journal of Family Studies*, *19*(2), 139-158. https://doi.org/10.5172/jfs.2013.19.2.139

Vatan, S., Lester, D., & Gunn, J. F. (2014). Emotion dysregulation, problem-solving, and hopelessness. *Psychological reports, 114*(2), 647-651. https://doi.org/10.2466%2F20.02.PR0.114k23w3

Wallace, R. L., Greenburg, J., & Clark, S. G. (2020). Confronting anxiety and despair in environmental studies and sciences: an analysis and guide for students and faculty. *Journal of Environmental Studies and Sciences*, *10*(2), 148-155. https://doi.org/10.1007/s13412-020-00609-6

Wen, M. (2017). Social capital and adolescent substance use: the role of family, school, and neighborhood contexts. *Journal of Research on Adolescence*, *27*(2), 362-378. https://doi.org/10.1111/jora.12299

White, R. E., Kross, E., & Duckworth, A. L. (2015). Spontaneous self- distancing and adaptive self- reflection across adolescence. *Child development*, *86*(4), 1272-1281. https://doi.org/10.1111/cdev.12370

[Downloaded from frooyesh.ir on 2026-11-14]
[DOR: 20.1001.1.2383353.1401.11.2.9.8]

[Downloaded from frooyesh.ir on 2026-11-14]

[DOR: 20.1001.1.2383353.1401.11.2.9.8]